



فراخوان سراسری کارگران ارکان ثالث به تجمع

تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در لاوان، صفحه ۱۲

مرگ یا فرار محمد مهدی صدیقی یکی از دزدان دسترنج کارگران - مهران محبی صفحه ۵

ادامه اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت، تجمع کارگران ارکان ثالث در گچساران صفحه ۴

هفته ۹۵ کارزار سه شبه های نه به اعدام، تجمع خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام و

خبری دیگر صفحه ۹

تجمع و راهپیمایی پرستاران قائم مشهد، اعضای تعاونی ناقدیس صفحه ۷

تجمع اعتراضی بازنشستگان نفت در تهران و کارگران رسمی نفت صفحه ۱۰

ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت، و تعرض به تجمع کارگران ذوب آهن اصفهان صفحه ۱۰

تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فولاد اصفهان و اخباری دیگر

نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما، صفحه ۱۱

ادامه اعتصاب کارگران پتروشیمی رجال، کارگران مس جانجا و خبری دیگر صفحه ۱۲

میدای اجتماعی

رکوردشکنی اعتراضات صنفی و کارگری در میانه پاییز، صفحه ۱۲

مضحکه ای بنام افزایش حقوق!!!، صفحه ۱۵

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان: نام ایذه چون شعله ای فروزان در تاریخ ایران

می درخشد، صفحه ۱۵

بیانیه هایی به مناسبت روز جهانی علیه خشونت برزن، صفحه ۱۳ و ۱۴

نبرد علم و بی خردی در آتش سوزی جنگلهای هیرکانی، کوکب بداعی معلم، صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۱۱

۳ آذر ۱۴۰۴

۲۴ نوامبر ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

بیانیه حزب کمونیست

کارگری ایران

به مناسبت ۲۵ نوامبر؛ روز

جهانی مبارزه با خشونت

علیه زنان

صفحه ۲

چه کسی، چه کسی را

استثمار می کند؟ اصغر

کریمی

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که

گذشت صفحه ۸

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۷

تجمع و راهپیمایی پرستاران

قائم مشهد، اعضای تعاونی

ناقدیس

صفحه ۱۶

بیانه حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت ۲۵ نوامبر؛ روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

انقلاب «زن، زندگی، آزادی» نقطه عطفی در تاریخ مبارزات معاصر و پیشتازترین خیزش علیه حجاب اجباری به عنوان یکی از آشکارترین جلوه‌های خشونت ساختاری علیه زنان و سنگر مهم نظام زن‌ستیز اسلامی بود و در ادامه این سنگر را در هم شکست، بی‌حجابی عمومی را نهادینه کرد، دیوارهای آپارتاید جنسیتی را لرزاند و ضربه سنگینی به حکومت وارد کرد. این پیشروی‌ها زنان و کل مردم معترض را در موقعیتی نوین و استوار قرار داد؛ موقعیتی که از دل آن، آگاهی اجتماعی، جسارت مبارزاتی و ابتکار عمل انقلابی زنان به نیرویی تعیین‌کننده در برابر کل چارچوب تبعیض و خشونت و تحقیر جنسیتی تبدیل شد.

روز جهانی منع خشونت علیه زنان دریچه‌ای در راستای دامن زدن به گفتمان‌های کامل زنان از تمام سنت‌های کپک‌زده مذهبی و مردسالانه و عهد عتیقی است. جنبش آزادی زن جنبشی است که با مبارزات و جنبش‌های اجتماعی پیشرو و رادیکال برای رهایی از کل تبعیضات و استثمار و دیکتاتوری و ستم بر بخش‌های مختلف مردم توسط حاکمین سرمایه پیوند عمیق دارد. جمهوری اسلامی یکی از ضد زن‌ترین و فسیل‌ترین ستون‌های ارتجاع ضد زن است و با سرنگونی این حکومت می‌توانیم آزادی زنان از تمام قیودات و فرهنگ و بندهای مردسالارانه و مذهبی و عهد عتیقی را پایه‌ریزی کنیم و جشن بگیریم. با چشم‌انداز برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر و شاد، زن و مرد دست در دست هم برای جارو کردن تمام آثار و ریشه‌های نظام ضد انسانی، متحد شویم و انقلابمان را به سرانجام برسانیم.

حزب کمونیست کارگری

۲۳ نوامبر ۲۰۲۵ - ۲ آذر ۱۴۰۴

۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، روزی است که تاریخ مبارزات زنان علیه ستم و تبعیض جنسیتی را در برابر چشم جهان قرار می‌دهد. نام خواهران میرابل، سمبل مقاومت علیه دیکتاتوری، در کنار نام‌های مهسا امینی، نیکا شاکرمی و سارینا و شمار بسیار دیگری از زنان مبارز در ایران و سراسر جهان، یادآور این حقیقت است که مبارزه علیه خشونت، نابرابری و تبعیض جنسیتی مبارزه‌ای جهانی، انسانی و طبقاتی است.

در این روز، زنان و نیروهای آزادی‌خواه در سراسر جهان با بلند کردن صدای اعتراض خود، ساختارها و قوانین زن‌ستیز، عقب مانده و باقی مانده از دوران توحش را افشا می‌کنند؛ و ساختارهایی که خشونت علیه زنان را در اشکال مختلف، از استثمار و کارمزدی تا سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی بازتولید می‌کنند همه جا به چالش می‌کشند.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، تبعیض و بی‌حقوقی زنان تنها یک سیاست نیست؛ بلکه ریشه در ساختار سیاسی، حقوقی و ایدئولوژیک این نظام دارد. هر روز در این کشور اخباری نکان‌دهنده از توحش علیه زنان انتشار می‌یابد و پیوند این وحشی‌گری‌ها با حکومت و سیستم ضد زن حاکم را عیان‌تر می‌کند. واقعیت شورانگیز و امیدبخش این است که در ایران زنان نه فقط افشاگر خشونت و بی‌حقوقی هستند، بلکه در صف جلوی مبارزات پیشرو اجتماعی گام برمی‌دارند و کل حاکمیت تحجر و چپاول و پوسیده حاکم را به چالش می‌کشند. از خیابان‌ها تا محیط‌های کار و دانشگاه‌ها، و در جنبش دادخواهی و آزادیخواهانه، زنان به اشکال مختلف نقش محوری در پیشبرد نبرد علیه تبعیض و سرکوب ایفا می‌کنند و کل آپارتاید جنسیتی و بنیادهای ایدئولوژیک حاکم را به مصاف گرفته‌اند.

چه کسی، چه کسی را استثمار می‌کند؟ اصغر کریمی

پزشکیان: «ما زمانی جوان بودیم و برخی افراد حرف‌هایی می‌زدند که سرمایه‌دارها استثمارگرند؛ یا می‌گفتند تولیدکننده‌ها مردم را استثمار می‌کنند، آن حرف‌ها در ذهن ما بود، اما وقتی مطالعه کردیم فهمیدیم حقیقت کاملاً برعکس است.» «اگر قرار باشد به کسی احترام بگذاریم، باید به تولیدکننده‌ای احترام بگذاریم که ۱۰ هزار، ۲۰ هزار، ۳۰ هزار نفر را نان می‌دهد، زندگی‌شان را تأمین می‌کند و حقوق درست و حسابی به آن‌ها پرداخت می‌کند.»

اینها مرز وقاحت را به جای تازه‌ای برده‌اند. ایشان مطالعه کرده و متوجه شده که کارگران صبح تا شب در کارخانه‌ها، معادن، بیمارستان‌ها و کارگاه‌های قالبی مشغول استثمار سرمایه‌داران بیچاره هستند! سرمایه‌داران ارزش تولید می‌کنند و کارگران آنرا به جیب می‌زنند و حقوق درست و حسابی هم می‌گیرند!

موضع پزشکیان ادامه همان مزخرفات تاریخی! خمینی است که گفت اقتصاد زیربنای الاغ است. هر دو یک هدف را دنبال کرده‌اند. اعتصابات کارگری بلافاصله پس از سرنگونی سلطنت در حال اوج‌گیری بود و خمینی می‌خواست آنرا تخطئه کند و به او باش سرکوب و رسانه‌های حکومتی خط می‌داد که با شانتاژ و جوسازی جلو اعتصابات را بگیرند.

اما یک تفاوت مهم بین این دو دوره است. در دوره خمینی حکومت در حال عروج و تثبیت بود. کارگر و کمونیست‌ها و زنان و کل جامعه را عقب راندند و قانون کاری که سند بردگی کارگر است، را تصویب کردند و با ممنوعیت تشکل و دستگیری فعالین، ممنوعیت



سازمان‌های چپ و کمونیست و رسانه‌های طرفدار کارگر فقر همه‌جانبه‌ای به کارگر و اکثریت جامعه تحمیل کردند. اما امروز علیرغم این فقر و فلاکت کارگر بپاخاسته است، معنی واقعی اراجیف خمینی و پزشکیان و صحبت خامنه‌ای در مورد مستضعف و اسلام و مزخرفات را چند دهه لمس کرده و به کمتر از یک زندگی انسانی رضایت نمی‌دهد. پزشکیان اینقدر احمق است که در شرایطی که به فردای حکومتش امید ندارد، می‌خواهد برای اقلیت طفیلی و بی‌آبروی حاکم آبرو بخرد.

اما حتی این اراجیف را هم نباید بی‌پاسخ گذاشت. از کارگر و کادر درمان تا معلم و بازنشسته و دانشجوی محروم شده از همه چیز باید پاسخ دندان‌شکنی به این اوباش بدهد و با همستگی بیشتر، اتحاد طبقاتی مستحکم‌تر، روی‌آوری بیشتر به تشکل و حزبی که آنها را نمایندگی می‌کند گام بزرگ دیگری به جلو بگذارد تا هم برای سرنگونی اراذل حاکم و هم ساختن جامعه‌ای بدون استثمار و تبعیض آماده شود.

نشریه ژورنال شماره ۱۱۶۶

سی و چهار سال تلاش یک حزب دخالتر - یاشار سهندی

تئوری، در افق اجتماعی، در برنامه، در نگرش به تاریخ کمونیسم و در تبیین ما از وظایف پراتیکی یک حزب کمونیستی، با مباحثات کمونیسم کارگری تکمیل میشود و ما تازه در نقطه آغاز ساختن یک حزب سیاسی دخالتر بر مبنای نگرش کمونیسم کارگری قرار میگیریم. کاری که با تشکیل حزب کمونیست کارگری دست بکار آن شدیم." (منصور حکمت - حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی)

سالهایی است که این حزب حتی زمانی که اعتراضات روزمره این گونه گسترش نیافته و سالانه اعتصابات کارگری از مرز دو هزار اعتصاب در سال نگذشته بود، اعتراضات کف جامعه را به درست تعرضی میدانست و بر حضور چپ اجتماعی در آن تاکید داشت. امری که برای جریانهای چپ سنتی تازه مطرح شده است؛ یعنی واقعیت آنها را وادار کرده است به مبحث حضور چپ اجتماعی پردازند و اذعان کنند که مبارزات کف خیابان رنگ چپ و سوسیالیستی بخود گرفته است. بدون آنکه حتی یک نقد کوتاه بر دیدگاه همین گذشته بسیار نزدیک خود داشته باشند.

بخاطر داریم که در بجموحه اعتراضات خیابانی انقلاب زن زندگی آزادی، ایشان هشدار پی هشدار صادر میکردند که رژیم چنج در کار است! و از انقلاب 57 کابوسی ساختند تا مثلا خطر بازگشت خاندان پهلوی را بزرگ کرده باشند که عملا تبلیغی به نفع جریان سلطنت طلب بود. خنده دار است، اما مصاحبه تلویزیون ترتیب میدهند که عنوانش این است: "سرنگونی انقلابی با کدام آلترناتیو(!!!)" طرف متوجه نیست وقتی از "سرنگونی انقلابی" حرف در میان است این یعنی چپ در کف خیابان است، این یعنی نیروی اجتماعی کمونیسم، این یعنی آلترناتیو مشخص است. اما برای ایشان همیشه واضح و مبرهن است که رژیم چنج در کار است که حتی میتواند خواستار سرنگونی انقلابی باشد!

در یک مقاله ای از یک استاد دانشگاه در امریکا که به موقعیت چپ در بعد از انتخابات زهران ممدانی پرداخته است، و در چند سایت چپ هپروتی ترجمه فارسی آن منتشر شده است، در آنجا در کمال تعجب میخوانیم که کلا مبارزه طبقاتی برای چندین سال در امریکا غایب بوده است! عین جمله ایشان این است: "... در فاصله دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰، طولانیترین دوره فقدان مطلق مبارزه طبقاتی در جهان پیشرفته را شاهد بودیم؛ دوره‌ای که نظیرش از دهه ۱۸۸۰ به این سو دیده نشده بود. (!!!)" (چرا این اتفاق افتاده چون مبارزه طبقاتی در نزد ایشان به مبارزه اتحادیه ای یعنی صنفی طبقه کارگر خلاصه میشود.) این یعنی در فاصله سالهای ذکر شده دیگر سرمایه داری سرمایه داری نبوده، و طبقه کارگر هم طبقه کارگر نبوده است. کلا در مبارزه طبقاتی را گل گرفته بودند، آنهم درست در ایامی که هجوم وسیعی به جنبش طبقه کارگر و دستاوردهایش صورت گرفت که همه جامعه از آن برخوردار بودند. این یعنی اوج مبارزه طبقاتی. نسخه ایرانی این چپ همین را سخت باور دارد منتها با عبارات دیگری آنرا فرموله میکند: "فقدان آگاهی طبقاتی"، "فقدان حزب طبقه کارگر"، "شکل نگرش افق سوسیالیستی طبقه" و...، این چپ هر چند در ستایش مبارزه طبقاتی باشکوه ترین جملات را بکار میبرد، اما در عمل مقام خود را تا حد یک "مبصر اجتماعی" بداخلاق پایین می آورد. همیشه در پی "درس آموزی" است اما از هیچ چیز درسی فرامیگیرد. مگر اینکه واقعیت خود را به ایشان تحمیل کند.

حزب کمونیست کارگری سخت این جمله منصور حکمت را باور دارد: "اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است"، برای همین در شعارهایی مانند: غنی سازی زندگی حق مسلم ماست، معیشت و منزلت

سی و چهار سال پیش حزب کمونیست کارگری در دل یک بحران با یک اطلاعیه کوتاه اعلام موجودیت کرد. زاده یک بحران نبود، جوابی به یک بحران بود. هجوم جهانی بورژوازی به کمونیسم به بهانه فروپاشی شوروی که کمونیستی اش میخواندند تا کمونیسم را بزنند، تا کمونیسم را از درون تهی سازند. در آن اطلاعیه آمده است: "در شرایط متحول جهان امروز و در برابر هجوم فکری و سیاسی سرمایه داری جهانی به آرمان و اندیشه سوسیالیستی، که با سقوط سوسیالیسم کاذب بلوک شوروی وارد مرحله جدیدی شده است، حزب کمونیست کارگری ایران دفاع از مارکسیسم و آرمان سوسیالیسم کارگری را یک وظیفه اساسی خود میداند و برای تقویت و گسترش جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در سطح جهانی میکوشد."

این حزب با چند خط حضور خودش را اعلام کرد. بیشتر از این هم لازم نبود. چرا که تجربه چندین سال مبارزه نظری و عملی و حتی مسلحانه علیه بورژوازی را با خود داشت. و نیز اینکه این حزب نتیجه جنبش شورایی طبقه کارگر بود. زاده آن جنبش بود.

در آن اطلاعیه چند خطی تاکید شده بود: "در ایران، حزب کمونیست کارگری برای تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری و تحقق برنامه اقتصادی و سیاسی سوسیالیسم کارگری مبارزه میکند. سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از ملزومات اولیه تحقق این هدف است." تلاش برای "تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی" از "اجتماعیون و عامیون" در بیش از یک قرن پیش شروع شد تا به حزب کمونیست کارگری رسید. اینکه این تلاش در طی بیش از یک قرن چگونه پیش رفت، موضوع بحث ما نیست آنچه مهم است این است که حزب کمونیست کارگری با برنامه ای روشن برای "تحقق برنامه اقتصادی و سیاسی سوسیالیسم کارگری مبارزه میکند."

برای این مهم این حزب با باور به اینکه تاریخ جوامع موجود تاریخ مبارزه طبقاتی است گاه نهان و گاه آشکار است وارد عرصه نبرد سیاسی شد. و بر همین متن و باور به اینکه "در هر دعوی در جامعه" مبارزه طبقاتی را میتوان سراغ کرد، مبحث بسیار مهم "حزب و جامعه" مطرح شد.

در تلاشهای پیش از این حزب، مبارزه طبقاتی یک جنگ نهایی و کاملا سلحشورانه تعریف میشد که نباید هیچ غشی در آن باشد. آنها به دنبال "ارتباط ارگانیک با طبقه" بودند، و متوجه نبودند و نیستند این یعنی از همان ابتدا خود را بی ربط به طبقه کارگر تعریف کردن. هنوز هم هستند جریانهایی که سخت به این موضوع باور دارند، و به همین اندازه از طبقه کارگر فاصله دارند.

برای حزب کمونیست کارگری با اتکا به نظریات مارکس موضوع اساسا فرق میکند. برای این حزب: "... مقوله کارگر نه بعنوان یک موضوع کار، بلکه موجودیت کارگر بعنوان یک پدیده اجتماعی در بطن تئوری استعمار وارد اساس مارکسیسم میشود. مارکس ابتدا اجتماع را بدون طبقات توضیح نداده است تا بعد طبقات را بعنوان جنگ آورانی که روبروی هم هستند وارد بحث بکند. طبقه در خود تئوری استعمار مارکس هست. طبقه در خود تئوری تغییر مارکس هست،. طبقه در خود تئوری شناخت مارکس هست..." منصور حکمت در بحث حزب و جامعه بعد از تعریف جایگاه طبقه در مارکسیسم، اینگونه تفاوت کمونیسم کارگری از دیگر جریاناتی که خود را چپ کمونیست میدانستند توضیح میدهد: "... ما کمونیسم خود را به روشنی، به شیوه مانیفست، کمونیسم پرولتاریایی، یا کمونیسم کارگری تعریف کردیم. به یک معنا سیر جدایی نظری ما از میراث و تاریخ سوسیالیسم بورژوایی، در

ادامه اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت، تجمع کارگران ارکان ثالث در گچساران



امروز یکشنبه دوم آذر ماه کارگران شرکتی و ارکان ثالث شرکت نفت و گاز گچساران به همراه خانواده‌هایشان مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواستار حذف پیمانکاران، پایان استعمار و اجرای تبدیل وضعیت شدند. حضور خانواده‌ها در این اعتراضات بعد اجتماعی مبارزات این کارگران را نشان می‌دهد و الگویی برای اعتراضات کارگران در بخش‌های مختلف صنعت نفت است.

امروز همچنین کارگران رسمی در شرکت نفت فلات قاره در خارک و سیری تجمع کردند و پیگیر مطالبات خود شدند. طبق گزارشات در خارک کارگران از ساعت شش تا ده و نیم صبح دست به اعتصاب زدند و در مجموعه فرهنگی منطقه تجمع کردند. اعتصابات ساعتی یک کارزار کارگران رسمی در نفت است.

در روز گذشته یکم آذر ماه نیز کارگران رسمی نفت در پالایشگاه‌های مختلف پارس جنوبی تجمعات هماهنگی برگزار کردند. این تجمعات در پالایشگاه‌های اول، دوم، سوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم پارس جنوبی برگزار شدند.

اعتراضات کارگران رسمی نفت سراسری است و اهم مطالبات اعلام شده آنها عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

از خواسته‌ها و اعتراضات بخش‌های مختلف کارگران شاغل در صنعت نفت این مرکز کلیدی کارگری حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ آذر ۱۴۰۴ - ۲۳ نوامبر ۲۰۲۵

سی و چهار سال تلاش ...

از صفحه ۳

تبعیض، تلاش برای حفظ محیط زیست از هجوم سرمایه، و تلاش بی‌امان برای جا انداختن این موضوع که آزادی سیاسی اما و اگر بر نمی‌دارد. و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی سرمایه. که همه اینها در پرتو تلاش به همان هدفی است که در اطلاعیه چند خطی اعلام موجودیت بیان شد، یعنی تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی. و این تنها از یک راه ممکن است که حزب سیاسی طبقه کارگر در همه عرصه‌های مبارزه اجتماعی علیه بی‌عدالتی که سرمایه بر جامعه تحمیل کرده است حضور جدی و فعالی داشته باشد و حزب کمونیست کارگری تلاش کرده است که این حضورش به موقع و سریع باشد.

یک اطلاعیه چند خطی سی و چهار سال پیش حزبی را بنیان گذاشت که عرصه سیاست ایران را از همه جهان متمایز ساخته است. آن‌های که باور ندارند کافی است تصور کنند این حزب اکنون وجود نداشت آنوقت چه چیزی از چپ و سوسیالیسم، جنبش بازگرداندن اختیار به انسان مطرح بود.

"حزب کمونیست کارگری ایران کارگران کمونیست و مبارزان راه سوسیالیسم کارگری را به پوستن به صفوف خود فرامیخواند." فراخوانی بود که در انتهای اطلاعیه اعلام موجودیت، که هنوز هم به قوت خود باقی است؛ و باید اضافه کرد: هر کسی که برای رفع تبعیض و عدالت اجتماعی و آزادی‌های سیاسی مبارزه میکند به صفوف این حزب فرا میخوانیم.

حق مسلم ماست، به درست سوسیالیسم را میبیند این یعنی مبارزه طبقاتی است؛ و "هر مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است."

حضور چپ اجتماعی قوی در کف جامعه همین جوری رخ نداده است. معجزه رخ نداده است. این همه تنها به یمن حضور و تلاش حزب دخالنگر که هر دعوائی را در جامعه گوشه‌ای از مبارزه طبقاتی، که مستقیماً علیه سلطه سرمایه بر جامعه است میداند، ممکن شده است.

باور این حزب که هر دعوائی موضوع مبارزه طبقاتی است، در نتیجه مبارزه سیاسی است، این حزب را به "حزب دخالنگر" تبدیل کرده است. به اذعان یکی از کاربدستان رژیم اسلامی سرمایه این حزب "حزب گسترش اعتراضات است." این حزب هر امر اعتراضی در جامعه که در پی رفع تبعیض و عدالت و آزادی‌های سیاسی است صحنه مبارزه خود میداند. و در هر مبارزه از این گونه، میتوان رد پای این حزب را دید: مبارزه علیه اعدام و سنگسار، مبارزه علیه مذهب، مبارزه برای حقوق کودک، مبارزه برای حقوق ال جی بی تی کیو ها، دفاع از هر تلاش کارگران برای بهبود معیشت خود، و ساخت هر تشکلی از سوی آنان برای سازماندهی مبارزاتشان علیه سرمایه. مبارزه برای حقوق پناهندگان، مبارزه برای رهایی زن، مبارزه علیه هر گونه

مرگ یا فرار محمد مهدی صدیقی یکی از دزدان دسترنج کارگران - مهران محبی

اما گذشته از این که پسر کاظم صدیقی که به همراه همسرش به کلاهبرداری و دزدی زمین باغ ازگل مجرم است و نه متهم و به اعتراف خود سران رزیم و مقامات رده بالای قوه قضائیه برای تسهیل کلاهبرداری ها و دزدی های اش در رده های بالائی دستگاه قضائی نفوذ کرده، چگونه مرده و اصلا مرگی در کار بوده یا او را به خارج فرستاده اند تا پرونده فساد که پای پدرش هم در آن گیر است مختومه شود. دزدی باغ ازگل یکی از صدها و هزاران دزدی های سران و امامان جمعه، و آخوندها و سرداران سپاه و همه جانوران چپاولگر و دزد در همه نهادها، ارگان ها و دستگاه های فاسد حکومتی است که مابه ازای واقعی آن ها تا امروز در زندگی اکثریت مردم کارگر و زحمتکش جامعه سقوط به قعر دره فقر و فلاکت بوده است.

مردم مرده و زنده هر مهره و وابسته حکومتی را دزد و چپاولگر دسترنج خود و ثروت متعلق به عموم جامعه می دانند. از نظر مردم جمهوری اسلامی مجموعه ای از باندهای مافیائی است که هر یک به جان یکی از عرصه و جوانب زندگی عموم جامعه از معیشت گرفته تا آب و خاک و کوه، و جنگل و دریاچه و غیره افتاده و به نابودی کشانده اند و باید در فردای سرنگونی اش مجازات شوند.

سران رژیم بعد از 46 سال حکومت با سرکوب و کشتار برای تسهیل دزدی و غارت امروز زیر فشار جنبش سرنگونی طلبی کارشان به جانی رسیده که مجبورند برای به زعم خودشان کنترل خشم جامعه دست به قتل واقعی یا مرده نمائی و به سوراخ موش فرستادن همدستان دزد خود بزنند.

خبرگزاری تابناک دقیقا واقیعت رابطه مردم و حکومت را درک کرده که در پایان گزارش اش به مسؤلان حکومتی هشدار می دهد که تا خیلی دیر نشده برای بازسازی رابطه میان مردم و حکومت اندیشه کنند. ولی خیلی دیر شده و مجالی باقی نمانده است. سران حکومت باید خود را برای محاکمه و مجازات توسط همین مردم آماده کنند که زندگی شان، رفاه و خوشبختی و محیط زیست شان و هر آنچه که به جامعه شان تعلق دارد را به سوی نابودی کشانده اند.

مهدی فراچی شانندیز معلم زندانی از اول ماه مه روز جهانی کارگر امسال تا کنون در زندان است. او در این روز در تجمع معلمان تهران بازداشت شد. مهدی فراچی بیش از ۱۲ سال از عمرش را در دوره های مختلف با اتهامات سیاسی در زندان گذرانده است. مهدی فراچی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.



روز بیست و هشتم آبان خبر مرگ محمد مهدی صدیقی پسر و شریک دزد کاظم صدیقی آخوند مجیزگو خامنه ای و رئیس ستاد امر به معروف و امام جمعه سابق تهران منتشر شد. واکنش مردم مانند همیشه که با تنفر نسبت به شنیدن مرگ دزدان و قاتلان مردم همراه بوده است، نسبت به این آخوند زاده و دزد حکومتی نیز همین طور بود. اما جناح های حکومتی تاکنون با انتشار گزارشات و تحلیل هائی متناقض در سطح رسانه ای برخورد کرده اند.

روزنامه جهان اقتصاد نزدیک به اصلاح طلبان و خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه از جمله روزنامه و خبرگزاری هائی از هر دو جناح اصلی اصولگرا و اصلاح طلب بوده اند که گزارش های کاملاً مشابه منتشر کرده و نوشته اند که فرزند کاظم صدیقی به دنبال یک دوره طولانی بیماری کبدی دچار ایست قلبی شده و فوت کرده است.

اما رسانه ای مانند خبرگزاری تابناک متعلق به محسن رضائی از اصولگرایان مخالف باند جبهه پایداری خبر مرگ فرزند صدیقی را مورد تردید قرار داده و نوشته: "سخنگوی قوه قضائیه در هفته آخر مهر ماه امسال ... گفته بود برای متهمین پرونده (دزدی هزار میلیاردی باغ ازگل) به اتهام مشارکت در کلاهبرداری و ادعای نفوذ در قوه قضائیه در 17 شهریور ماه کیفرخواست صادر و پرونده هفتم مهرماه به دادگاه صالحه ارسال شد... با این اوصاف قاعدتا اوائل همین آبان ماه که در آن هستیم پرونده باید در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفته باشد." سپس اضافه می کند: "هنوز خبری در این باره منتشر نشده ولی شاید خبر خوبی در پرونده برای متهمان وجود نداشته است که محمد مهدی صدیقی قبل از مرگ گفته: از قضایای اخیر دارم دق می کنم".

به گفته این خبرگزاری مهدی صدیقی در منزل خود فوت کرده، در حالیکه قبلاً خبر بازداشت او و همسرش منتشر شده بود. تابناک در ادامه خبر تحلیلی خود می نویسد: "بسیاری از مردم به آنچه در سپر سیاسی کشور می گذرد بی اعتماد شده اند... در همین ساعات ابتدائی انتشار خبر، این شایعه (در میان مردم) پیچیده که صدیقی نمرده و به دروغ خبرش را منتشر کرده اند تا از کشور خارج و پرونده اش بسته شود".

تا آنجا که کلاهبرداری ها و دزدی های حکومتی و قتل و حذف های درونی مربوط می شود، جمهوری اسلامی کارنامه ای قطور دارد و "مورد" لو رفته دزدی کاظم صدیقی و فرزندان و عروس و دامادهای اش هم آخرین مورد نخواهد بود. دزدی و فساد یکی از امتیازها و شاخص های معتبر عضویت و ورود به سیستم حکومت است و تا پایان عمر ننگین اش به طور سیستماتیک ادامه خواهد داشت. شعبده بازی های نمایشی بازداشت و زندانی کردن دزدان و اختلاسگران حکومتی و وابستگان به مقامات و سران رده بالای رژیم هم امر و اتفاق تازه ای نیست و پرونده های بی شماری از این دست جرائم بدور از چشم مردم ماست مالی و مختومه کرده و مجرمان بدون تحمل زندان و مجازات، آشکار و پنهان به زندگی متعارف خود بازگشته و دزدی های شان را ادامه داده اند.

اعلام مرگ محمد مهدی کاظمی و چرخاندن تابوت منتسب به او در میان یک جمعیت انگشت شمار هم ممکن است یک شعبده بازی حکومتی برای مختومه کردن و به فراموشی سپردن پرونده دزدی آخوند نزدیک به خامنه ای باشد.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "کارگر زندانی، معترض زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما"، و "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه".

- روح‌الله کرکی، شهروند اهل اندیمشک، ۱۱۰ روز پیش در این شهر بازداشت شده و کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان شیپان اهواز نگهداری می‌شود. وی از حق دسترسی به وکیل انتحابی محروم مانده است.

شنبه ۱ آذر:

- در ادامه آلودگی هوا در استان خوزستان کارگروه اضطرار آلودگی هوای استان با توجه به افزایش آلاینده‌ها و تشدید شرایط ناسالم جوی، برای روزهای شنبه و یکشنبه نیز از غیرحضور شدن فعالیت مدارس و دانشگاه‌های پنج شهرستان اهواز، کارون، باوی، حمیدیه و شوشتر خبر داد.

جمعه ۳۰ آبان:

- آلودگی شدید هوا در این روز در چندین استان ایران موجب تعطیلی یا غیرحضور شدن مدارس، دانشگاه‌ها و برخی ادارات شد.

پنجشنبه ۲۹ آبان:

- کارگران ماشین‌سازی پارس در بندرماهشهر، در اعتراض به عدم پرداخت کامل دستمزدها و تأخیرهای مکرر در واریز حقوق و مزایای رفاهی خود دست به اعتراض زدند. به گفته کارگران، تنها نیمی از حقوق ماه‌های اخیر آنها پرداخت شده و کمک‌هزینه‌ها و بن‌های رفاهی شان ماه‌هاست معوق مانده است. حدود ۶۰ تا ۷۰ کارگر در سایت ماهشهر و ده‌ها نیروی اداری در تهران با همین مشکلات مواجه‌اند.

- بررسی‌های سازمان هواشناسی از افزایش غلظت آلاینده‌های جوی در شهرهای مختلف صنعتی از جمله در اهواز خبر میدهد. در این روز در برخی مناطق جنوب غرب و جنوب ایران وزش باد نسبتاً شدید تا شدید، در برخی ساعات خیزش گردوخاک و کاهش کیفیت هوا را در پی داشت. بنا بر گزارشات این وضعیت باعث مرگ بالغ بر ۵۰ هزار نفر انسان در سال گذشته شده است.

چهارشنبه ۲۸ آبان:

- فرشته تابانین وکیل عباس دریس، زندانی سیاسی شاهد نیزار ماهشهر با انتشار ویدیویی از کار هنری موکلش عباس دریس در زندان ماهشهر، اعلام کرد افرادی که قصد حمایت از این خانواده را دارند، در فضای مجازی و در پلتفرم‌های توییتر و اینستاگرام با وی تماس بگیرند. عباس دریس پدر سه فرزند است. همسر او پس از شوک صدور حکم اعدام، دچار سکته قلبی شده و جان خود را از دست داد. عباس دریس با ساخت کیف و دیگر آثار چرمی در زندان، امورات زندگی خود را می‌گذراند. آیدی اینستاگرام خانم تابانین وکیل عباس دریس:

@fereshtetabnian8

از خوزستان خبر میرسد؟

۲۶ آبان - ۳ آذر ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته - واحد خوزستان، کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

دوشنبه ۳ آذر:

- بنا بر گزارش اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان در این روز کیفیت هوای ۹ شهر خوزستان از جمله اهواز، شوشتر، ملاتانی، خرمشهر، شادگان، ماهشهر، آغاچاری و بهبهان در شاخص ذرات ۲/۵ میکرون به وضعیت قرمز و ناسالم رسید. تعطیلی پی در پی مدارس امر آموزش دانش آموزان را هم به زیر سوال برده است. مدیرکل آموزش و پرورش استان خوزستان با اشاره به غیرحضور شدن مکرر مدارس در مهر و آبان سال جاری به دلیل آلودگی هوا، گفت: ادامه این روند می‌تواند آموزش دانش‌آموزان را با چالش جدی روبه‌رو کند و برای جبران آن نیاز به تجهیزات لازم و انتقال امتحانات نوبت اول به اواخر دی هستیم.

او گفت که پیشنهاد آنها اینست که امتحانات به دهه پایانی دی‌ماه منتقل شود تا بتوانیم حداقل ۲۰ روز دیگر برای جبران عقب‌ماندگی‌ها فرصت آموزشی داشته باشیم.

با وخامت آلودگی هوا در استان خوزستان، استاندار این استان طی اظهاراتی اعلام کرد که ۲۰۰ فلر فعال نفتی عامل اصلی آلودگی هوای استان هستند و برنامه زمان‌بندی شده برای جمع‌آوری کامل آن‌ها تا پایان دولت چهاردهم در جریان است. فلر فعال نفت (یا فلر گازی) یک سیستم احتراق است که در پالایشگاه‌های نفت، کارخانه‌های پتروشیمی و سایت‌های استخراج نفت و گاز برای سوزاندن ایمن گازهای اضافی و ناخواسته استفاده می‌شود. این سیستم از انتشار گازهای قابل اشتعال به محیط زیست جلوگیری کرده و به حفظ ایمنی تأسیسات کمک می‌کند.

سیاست مخرب و جنایتکارانه حکومت هوای سالم را هم گرفته و آلودگی هوا هر روزه از مردم قربانی می‌گیرد و هم اکنون ۳۶ شهر کشور را به تعطیلی کشانده است.

یکشنبه ۲ آذر:

- بازنشستگان تامین اجتماعی همچون هفته‌های گذشته در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواسته‌های خود و علیه بساط چپاول و دزدی حاکم و سرکوبگری‌های حکومت در چندین شهر از جمله در شوش و اهواز تجمع کردند و شعارهای اعتراضی خود را سردادند. در شوش بازنشستگان از شهرهای هفت تپه و کرخه و شوش جمع شده بودند و یکی از بازنشستگان از مشکلات زندگی خود و وضع بد درمان سخن گفت و جمعیت شعار میداد: "درمان رایگان حق مسلم ماست". این بازنشستگان با شعارهای "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "تا حق خود بگیریم از پا نمی‌نشینیم" بر تداوم اعتراضات خود تاکید کردند.

در اهواز نیز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و با شعار "ما بازنشستگانیم باید با هم بمانیم" بر اتحاد مبارزاتی و تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند. در این حرکت اعتراضی بنه‌هایی با نوشته "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. دیگر شعارهای این بازنشستگان عبارت بودند از: "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست"، "هزینه‌ها



در بند هشت و پنج این زندان گذرانده بود. مرگ زندانی بخاطر محرومیت از دارو و درمان بخشی از جنایات سیستماتیک جمهوری اسلامی در زندانهاست. همراه با خانواده های زندانیان در بند علیه این جنایت هر روزه حکومت متحد شویم. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

دوشنبه ۲۶ آبان:

- بازنشستگان مخابرات اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه چپاولگریهای سهامداران عمده این شرکت همچون دوشنبه های گذشته در شهرهای مختلفی از جمله اهواز تجمع داشتند. در اهواز بازنشستگان با فریاد "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان" بر پیگیری اعتراضاتشان تاکید کردند.

- سحرگاه این روز دو زندانی در زندان سپیدار اهواز به اسامی حسام رحیم خانی، اهل شادگان و جواد مریدان اهل اهواز در پرونده های جداگانه و با اتهام قتل اعدام شدند. حسام رحیم خانی ۵ سال پیش و جواد مریدان هشت سال پیش دستگیر شده بود.

در این روز همچنین رضا کمایی در زندان سپیدار اهواز به اتهام قتل اعدام شد. حکم وی پیشتر قطعی شده بود و اجرای آن توسط منابع محلی تأیید شده است. اعدام این مجازات شنیع و جنایتکارانه باید بطور کامل ممنوع شود و تمامی احکام اعدام لغو شوند. اعدام ها در جمهوری اسلامی تماماً با هدف سیاسی و برای عقب زدن اعتراضات جامعه است. به جنبش علیه اعدام پیوندیم.

- سیامک صادقی چهارزی، از فعالین معلم در خوزستان طی ابلاغیه‌ای از سوی شعبه ۸ اجرای احکام کیفری دادسرای انقلاب اهواز برای اجرای حکم زندان خود احضار شده است. بر اساس این ابلاغیه، او باید برای اجرای حکم صادره در مهلت مقرر در شعبه حاضر شود. یک کارزار مهم معلمان علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص لغو پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان و تمامی زندانیان سیاسی و آزادی همه زندانیان سیاسی است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۳ آذر ۱۴۰۳ - ۲۴ نوامبر ۲۰۲۵

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲
tamas.wpi@gmail.com

از خوزستان خبر می‌رسد: ...

از صفحه ۶

- سحرگاه این روز ناصر حاصلی در زندان سپیدار اهواز با اتهام مواد مخدر و فردین خانی در زندان بهبهان که بیشتر به اتهام قتل بازداشت شده بود اعدام شدند. متهمین مواد مخدر قربانیان خاموش سیستم سرپا فقر و بی‌تامینی و مافیایی حاکم هستند.

- ابراهیم پارسامهر، وکیل دادگستری و زندانی سیاسی محبوس در زندان شیپان اهواز، همچنان در زندان بسر میبرد و بنا بر گزارشات وضعیت جسمانی او به دلیل دیابت و مشکلات دهان و دندان رو به وخامت است. اما مقامات زندان از اعزام وی به مراکز درمانی جلوگیری کرده و او ماه‌هاست با درد و عفونت شدید بدون هیچ‌گونه رسیدگی پزشکی رها شده است. با اتحاد مبارزاتی خود جلوی این جنایت را بگیریم.

- حمیدرضا درستکار، زندانی سیاسی محبوس در زندان بهبهان از زندان بهبهان به مرخصی اعزام شد. حمیدرضا درستکار باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- با کمال تاسف احمد آل خمیس، کارگر ۴۵ ساله خدمات سازمان پایانه‌های شهرداری اهواز و ساکن منطقه کوت‌عبدالله، پس از ۲۲ سال خدمت مداوم در این سازمان، به دلیل اخراج ناگهانی توسط مدیرعامل، کورش سبزی، به زندگی خود پایان داد. این کارگر متأهل و پدر یک دختر، پیش‌تر به دلیل جدایی از همسر و ناتوانی در پرداخت مهریه، حدود ۱۰ ماه را در زندان سپری کرده بود. پس از آزادی، هر روز مقابل در سازمان پایانه‌ها حاضر می‌شد و حتی شب‌ها را همان‌جا می‌خوابید تا شاید بتواند به کار بازگردد، اما هیچ پاسخی از مسئولان دریافت نکرد و در بلا تکلیفی کامل ماند.

احمد آل خمیس یکی دیگر از قربانیان این حکومت و نظام بیرحم و چپاولگر سرمایه داری حاکم است. زندگی او داستان زندگی بخش عظیم محروم جامعه است که با حاکمیت این حکومت فقر و بردگی زندگی شان در لبه پرتگاه قرار گرفته است. این اتفاق تکانه‌دهنده نشان‌دهنده عمق بحران معیشتی و بی‌توجهی به حقوق کارگران در مناطق مختلف کشور، بویژه در مناطقی مانند خوزستان است؛ جایی که بیکاری تحمیلی، تبعیض استخدامی و نبود حمایت‌های اجتماعی، زندگی را برای بسیاری غیرقابل تحمل کرده است.

با گرامیداشت یاد احمد آل خمیس بر مبارزه متحدانه علیه کل این بساط ضد انسانی هم عهد شویم. و اجازه ندهیم که کارگر در تنهایی بماند و از شدت خشم جان خود را از دست بدهد.

سه شنبه ۲۷ آبان:

- کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» (در نودوپنجمین هفته پیاپی، با مشارکت زندانیان در ۵۴ زندان از جمله در زندانهای شیپان اهواز، سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) و زندان بهبهان در خوزستان ادامه یافت. اعضای این کارزار با یادآوری بیش از ۱۵۰۰ جان‌باخته آبان ۹۸ اعلام کرد تا زمانی که «ظلم و بیداد» ادامه دارد، صدای اعتراض نیز خاموش نخواهد شد.

- کارگران رسمی آزمون ۱۴۰۲ در پالایشگاه آبادان با برگزاری تجمع اعتراض خود را به بدتر شدن وضع معیشتی شان و خلف وعده‌ها اعلام کردند.

- صبحگاه این روز حیدرطهماسی در زندان ماهشهر اعدام شد. اتهام این زندانی قتل عنوان شده است.

- امیر نیسی، زندانی عقیدتی ۲۷ ساله عرب اهل اهواز، بر اثر عفونت شدید داخلی و عدم رسیدگی پزشکی در زندان شیپان اهواز جان خود را از دست داد. امیر نیسی توسط بی‌داده‌گویی در اهواز به ۱۵ سال حبس محکوم شده بود و شش سال گذشته را



کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

- دوشنبه ۲ آذر:

بیش از ده روز از اعتصاب غذای کارگران پتروشیمی «سراج گستران رجال» در بندر امام خمینی می‌گذرد. اعتراض آنان به کاهش سیستماتیک حقوق، تهدید دائمی نیروها، و فشارهای سنگین مدیریتی است.

- پنجاه کارگر معدن مس جانجا در شهرستان نیمروز بار دیگر در اعتراض به چندین ماه عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند.

- کارگران رسمی نفت برای حق و حقوقشان امروز دوشنبه سوم آذر ماه کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره منطقه لاوان تجمع کردند.

- کارگران شرکت و ارکان ثالث نفت و گاز در ادامه تجمعات گسترده خود در اعتراض به بلاتکیف ماندن طرح حذف پیمانکاران برای روز نوزدهم آذر ماه فراخوان به تجمعی سراسری در مقابل مجلس اسلامی را داده اند.

. یکشنبه ۱ آذر:

بازنشستگان تامین اجتماعی همچون هفته های گذشته در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواستههای خود و علیه بساط چپاول و دزدی حاکم و سرکوبگریهای حکومت در چندین شهر شوش، اهواز، رشت، قزوین و تهران تجمع کردند. در این روز بازنشستگان فولاد اصفهان نیز تجمع باشکوهی برگزار کردند.

- جمعی از نیروهای بومی مجتمع صنعتی و معدنی تیتانیوم کهنوج در اعتراض به حقوق و مزایای پایین دست به تجمع و اعتصاب زدند.

- مسعود فرهیخته معلم زندانی در زندان مرکزی کرج با ارسال نامه ای به ریاست زندان به سه شنبه های نه به اعدام پیوست.

شنبه ۱ آذر:

- پرسنل اورژانس تهران در اعتراض به سطح نازل حقوقها و فشارهای سنگین کاری و تبعیض در پرداخت تعرفه و تعویق پرداخت آن و بی پاسخ ماندن مطالباتشان مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. برخورد های تنبیهی و جابجایی اجباری به پایگاه های دور از منزل و عدم پرداخت سختی کار ۱۱۵ از دیگر موضوعات اعتراضات تجمع کنندگان است. و شعار میدادند: "سختی کار اورژانس حق مسلم ماست!".

جمعه ۳۰ آبان:

- با گذشت ۱۰ روز از انتقال فعال کارگری مرتضی صیدی، بهنام مهاجر و میلاد خورشید طلب به سلول انفرادی، آنان هنوز به بند عمومی منتقل نشده اند و خانواده هایشان نگران وضعیت عزیزان خود هستند. این سه زندانی محبوس در زندان اوین در پی اعتراض به موج اعدامها و ورود نیروهای گارد به بند هفت که با هدف انتقال زندانی محکوم به اعدام احسان افرشته انجام شد و به درگیری میان زندانیان و مسئولان زندان منجر شد؛ روز یکشنبه ۲۰ آبان به سلول انفرادی منتقل شده بودند.

زهره صادقی؛ همسر فعال کارگری مرتضی صیدی در این باره در صفحه اینستاگرام خود نوشته است: «درحالی که موج های اعتراضی از میانه های جامعه تا زندان برای متوقف کردن حکم غیرانسانی اعدام برخاسته اند، درحالی که همه ی آزادی خواهان برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش می کنند، و درحالی که من و تیم انتظار داشتیم که با نزدیک شدن به پایان مدت حبس ظالمانه ی «مرتضی صیدی»، هرچه زودتر آزادیش را از بند اسارت ببینیم، مرتضی و چند تن از زندانیان سیاسی دیگر را به جرم اعتراض به اعدام هم بندی خود، به سلول های انفرادی منتقل کرده اند.

زندان در زندان، شرایطی است که بر مرتضی و بر سایر زندانیان معترض به قتل عمد دولتی تحمیل شده است. "مگر می شود که غم نان خود و هم طبقه ای های خود را داشته باشی، ولی علیه بی حقوقی کارگران تلاش نکنی؟! مگر می شود آزادی خواه بود، و برای زندگی و حق زنده بودن انسان ها مبارزه نکرد؟! جای امثال مرتضی و هم بندی های او زندان نیست و همچنین گرفتن جان انسان ها ولو بزهکار و غیرسیاسی عملی غیر انسانی است، که هر فرد عدالت خواه و آزاده را به تحرک وامی دارد."

پنجشنبه ۲۹ آبان:

- در سی و پنجمین روز پس از بازداشت حسین میربهراری فعال حقوق کودک؛ برای آزادی وی ۵ میلیارد وثیقه تعیین شد. حسین میربهراری فعال حقوق کودکان که در تاریخ ۲۳ مهر برای دومین بار بازداشت شده بود، حالا در انتظار تامین وثیقه است. میربهراری از بنیان گذاران جمعیت دفاع از کودکان کار خیابان است؛ مرکزی که همزمان با بازداشت او پلمب شد. این انجمن به حدود ۴۰۰ کودک بازمانده از تحصیل خدمات آموزشی، مهارتی و همچنین واحدهای مددکاری و روانشناسی ارائه می داد. به گفته خانواده میربهراری حسین میربهراری پیش تر در خردادماه بازداشت پس از یک ماه با وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی موقتا آزاد شده بود.

بنا بر همین خبر حسین میربهراری در حالی بازداشت شده که به بیماری هایی مانند دیابت، سنگ صفرا، مشکلات کلیوی، تیروئید و سابقه جراحی معده مبتلاست و نیاز مداوم به پیگیری پزشکی و رژیم غذایی دارد.

چهارشنبه ۲۸ آبان:

- از ساعت ۷ تا ۹ صبح این روز کارگران رسمی نفت شرکت نفت فلات قاره در منطقه بهرگان در محل کارخانه دست به تجمع و حرکت اعتراضی زدند.

- صبح این روز کارگران ذوب آهن اصفهان مطابق فراخوان قبلی در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و فشار سنگین معیشتی قصد تجمع در برابر استانداری اصفهان و فرمانداری زرین شهر را داشتند که با حضور گسترده و سازمان یافته ی نیروهای انتظامی، لباس شخصی ها و عوامل حراست شرکت ذوب آهن مواجه شدند و امکان تجمع از آنان سلب شد و چندین نفر هم دستگیر شدند. کارگران پیگیر آزادی همکاران بازداشتی و مطالبات پاسخ نگرفته خود هستند.

- پاکبانان و کارگران فضای سبز شهرداری نورآباد ممسنی در اعتراض به کسر حقوق و عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست به اعتصاب و تجمع زدند.

سه شنبه ۲۷ آبان:

- هزاران نفر از اقشار مختلف مردم و دانشجویان شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویر احمد در اعتراض به بحران آب و سدسازی های چپاولگرانه خرسان ۳ و ماندگان

هفته ۹۵ کارزار سه شنبه های نه به اعدام، تجمع خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام و خبری دیگر



فریاد اعدام نکنید با کارزار سه شنبه های نه به اعدام اعلام همبستگی کردند. خبر دیگر اینکه در روز ۲۵ آبان در شهر بیرجند متقاضیان مسکن در بیرجند علیه مدیران فاسد حکومتی که سالهاست پول آنان را گرفته و خانه ای تحویل نداده اند و مبلغ بیشتری پول

درخواست کرده اند مقابل استانداری تجمع کردند. این تجمع از سوی نیروهای سرکوب حکومت فاسد و رانت خوار مورد حمله قرار گرفت و پلیس به پیگرد معترضان پرداخت و با ضرب و شتم دست به دستگیری زد. اما تجمع کنندگان درگیر شده و به اعتراض خود ادامه دادند. جنبش مالباختگان و بویژه در پروژه های مسکن جنبشی قدرتمند است که کل بساط دزدسالار حاکم را به چالش می کشد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ آبان ۱۴۰۴ - ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵

امروز ۲۷ آبان ماه، کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» (در نودوپنجمین هفته پیاپی، با مشارکت زندانیان در ۵۴ زندان کشور ادامه یافت. حرکتی اعتراضی که همزمان با سالگرد قیام آبان، بار دیگر بر مقابله با اعدام و خشونت سیستماتیک قضایی-امنیتی تأکید می کند.

این کارزار با یادآوری بیش از ۱۵۰۰ جانباخته آبان ۹۸ اعلام کرد تا زمانی که «ظلم و بیداد» ادامه دارد، صدای اعتراض نیز خاموش نخواهد شد. برگزارکنندگان با اشاره به موج سنگین اعدامها در هفته های اخیر از جمله اعدام یک زندانی در ملاءعام و عبور شمار اعدامها در آبان از ۲۵۰ مورد، این وضعیت را «فاجعه بار» توصیف کردند. در بیانیه هفتگی این کارزار بر حمایت از خانواده هایی که هر هفته مقابل زندانها دست به اعتراض می زنند، تأکید شده و از همه مردم آزادی خواه در هر شهر، هر محله و با هر امکان و توان دعوت شده است که صدای اعتراض خود را به هر شکل و در هر سطح علیه اجرای احکام مرگ بلند نمایند.

همزمان با نودوچهارمین هفته کارزار سه شنبه های نه به اعدام، خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام از جمله خانواده پویا قبادی و وحید بنی عامریان همچون هفته های گذشته با در دست داشتن عکس عزیزانشان و بنر نه به اعدام و با

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۸

و خسارتهای زیست محیطی آنها مقابل استانداری تجمع کردند و با ازدحام جمعیت مسیرهای منتهی به میدان بسته شد.

- جمعی از بازنشستگان شرکت ملی مس در اعتراض به مشکلات معیشتی خود برای سومین روز متوالی مقابل دفتر نماینده مجلس اسلامی انارکی تجمع کردند.

- جمعی از مردم هرسین و مالکان زمین های شهرک زرعلی آباد (آزادی) مقابل فرمانداری هرسین تجمع اعتراضی برگزار کردند.

- بازنشستگان نفت در اعتراض به مشکلات معیشتی و وضعیت بد اقتصادی خود و علیه دست اندازی به صندوق بازنشستگی، مقابل وزارت نفت تجمع کردند.

- کارگران رسمی آزمون ۱۴۰۲ در پالایشگاه آبادان و کارگران شاغل در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان تجمع داشتند و اعتراض خود را به بدتر شدن وضع معیشتی خود و خلف وعده ها اعلام کردند.

- کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» (در نودوپنجمین هفته پیاپی، با مشارکت زندانیان در ۵۴ زندان کشور ادامه یافت. حرکتی اعتراضی که همزمان با سالگرد قیام آبان، بار دیگر بر مقابله با اعدام و خشونت سیستماتیک قضایی-امنیتی تأکید می کند.

- همزمان با نودوچهارمین هفته کارزار سه شنبه های نه به اعدام، خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام از جمله خانواده پویا قبادی و وحید بنی عامریان همچون هفته های گذشته با در دست داشتن عکس عزیزانشان و بنر نه به اعدام و با فریاد اعدام نکنید با کارزار سه شنبه های نه به اعدام اعلام همبستگی کردند.

- متقاضیان مسکن در بیرجند علیه مدیران فاسد حکومتی که سالهاست پول آنان را گرفته و خانه ای تحویل نداده اند و مبلغ بیشتری پول درخواست کرده اند مقابل استانداری تجمع کردند.

- کارگران رسی نفت در منطقه سیری برای پیگیری خواسته هایشان تجمع کردند. مطالبات اعلام شده این کارگران عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف

کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف مزایای سنوات بازنشستگی، عودت مالیات های مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

- بار دیگر مسیرهای طولانی و ناامن در رسیدن کارگران شرکتهای پیمانکاری به محل کار در پارس جنوبی مرگ آفرین شد. در شامگاه این روز وحید غلامی از نیروهای واحد فیکس پالایشگاه ششم در محور پدافند پرک دچار واژگونی خودرو شد و جان خود را از دست داد. در این اتفاق ناگوار آرمان لیموچی همکار همراه او نیز مجروح و اکنون در بیمارستان کنگان تحت درمان است. کارگران شاغل در پارس جنوبی این حادثه را ادامه زنجیره تراژدی های تبعیض آمیزی می دانند که ریشه در بی توجهی به خواسته هایشان پیرامون تأمین بلیت هواپیما برای تردهای طولانی و پرخطر دارد. این حادثه مرگ آفرین در حالی رخ می دهد که ۳۰ شهریور امسال نیز هادی آریاوند، کارگر ۳۸ ساله، هنگام حرکت به سمت محل کار در سانحه رانندگی جان باخته بود.

دوشنبه ۲۶ آبان :

- بازنشستگان مخابرات در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه چپاولگریهای سهامداران عمده این شرکت در شهرهای مختلفی تجمع و اعتراض داشتند. این تجمعات در این هفته در شهرهایی چون کرمانشاه، همدان، میوان، تبریز، سنندج، اصفهان، شیراز، تهران، بیجار، کرمان، ارومیه، خرم آباد، قزوین، اهواز، بابل، ایلام، رشت برگزار شدند.

- کارگران کارخانه فراساحل لیان در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه حقوق و بی پاسخ ماندن خواسته هایشان و خلف وعده دست به اعتصاب و تجمع زدند.

- مسعود فرهیخته از فعالین معلم که برای دومین بار از مهر ماه سال جاری از تاریخ ۱۸ آبان به سلول انفرادی منتقل شده بود، به بند عمومی بازگردانده شد. مسعود فرهیخته و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- کارگران رسمی نفت در فلات قاره در منطقه خارک برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. اعتراضات کارگران رسمی نفت سراسری است و در روزهای مختلف جریان دارد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان نفت در تهران و کارگران رسمی نفت



رسمی روزهای مختلف هفته را به خود اختصاص داده است. از اعتراضات کارگران نفت این مرکز کلیدی اقتصادی حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ آبان ۱۴۰۴ - ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنعت نفت مقابل وزارت نفت

امروز بیست و هفتم آبانماه بازنشستگان نفت در اعتراض به مشکلات معیشتی و وضعیت بد اقتصادی خود و علیه دست اندازی به صندوق بازنشستگی، مقابل وزارت نفت تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان علیه مقامات مسئول شعار میدادند: عبوری حیا کن، هلدینگ رورها کن."

تجمع قبلی این بازنشستگان که جمعیت وسیعی در آن شرکت داشتند در بیست و هفتم مهر برگزار شد و بازنشستگان با فریاد "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" همه بخش های کارگری را به اتحاد مبارزاتی علیه بساط فقر و بی تأمینی و چپاولگری های حاکم فراخواندند.

تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت

امروز همچنین کارگران رسمی آزمون ۱۴۰۲ در پالایشگاه آبادان و کارگران شاغل در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان تجمع داشتند و اعتراض خود را به بدتر شدن وضع معیشتی خود و خلف وعده ها اعلام کردند. در این تجمع کارگران با شعارهای "مشکل ما کف و سقف حقوقه، هر وعده ای که میدهند دروغه"، صدای اعتراض خود را بلند کردند. اعتراض کارگران رسمی نفت به مدیریت فاسد و رانت خوار، سطح نازل سقف و کف حقوق، پرداخت نشدن حق سنوات بازنشستگی، دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت و اجرا نشدن ماده ۱۰ و عدم پرداخت معوقات آن است.

اعتراضات در نفت بخش های مختلف کارگران رسمی و ارکان ثالث و بازنشستگان را در بر گرفته و هر روز دامنه اش گسترده تر میشود. اعتراضات کارگران

ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت، و تعرض به تجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

از ساعت ۷ تا ۹ صبح امروز بیست و هشتم آبانماه کارگران رسمی نفت شرکت نفت فلات قاره در منطقه بهرگان در محل کارخانه دست به تجمع و حرکت اعتراضی زدند. روز گذشته نیز کارگران رسمی نفت در منطقه سیری تجمع داشتند.

مطالبات اعلام شده این کارگران عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف مزایای سنوات بازنشستگی، عودت مالیات های مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوقهای ورشکسته دیگر.

ممانعت نیروهای سرکوب از تجمع کارگران ذوب آهن اصفهان

صبح امروز چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۴ کارگران ذوب آهن اصفهان مطابق فراخوان قبلی در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و فشار سنگین معیشتی قصد تجمع در برابر استانداری اصفهان و فرمانداری زرین شهر را داشتند که با حضور گسترده و سازمان یافته نیروهای انتظامی، لباس شخصی ها و عوامل حراست شرکت ذوب آهن مواجه شدند و امکان تجمع از آنان سلب شد و چندین نفر هم دستگیر شدند. اسامی دستگیر شدگان هنوز مشخص نیست و در اخبار تکمیلی گزارش خواهد شد. همکاران بازداستی و مطالبات پاسخ نگرفته خود هستند. بنا بر اخبار منتشر شده این کارگران طی ماه های گذشته بارها نسبت به بی پاسخ ماندن خواسته هایشان اعتراض کرده و پاسخی نگرفته اند. آخرین تجمع این کارگران در هشتم آبانماه مقابل استانداری اصفهان برگزار شده بود.



حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ آبان ۱۴۰۴ - ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵



تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فولاد اصفهان و اخباری دیگر

نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما

ابتدایی تهران دوباره تعطیل و برای روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه کلاسهای درسی مجازی برگزار میشوند! یک علت این آلودگی‌ها شروع

مجدد مازوت‌سوزی این ماده سمی و کشنده در نیروگاه‌های کشور است که مصرف آن به بیش از ۲۱ میلیون لیتر در روز رسیده است.

همزمان بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز در اعتراض به عدم اجرای کامل همسان‌سازی، غارت صندوقهای بازنشستگی و چپاول این صندوق و انتقال صندوق بازنشستگی فولاد به صندوق بازنشستگی کشوری، در مقابل استانداری دست به تجمع باشکوهی زدند. در این تجمع جمعیت قابل توجهی شرکت داشتند و شعار میدادند: "گرانی تورم، بلای جان مردم"، "ایرانی داد بزن، حقوق فریاد بزن"، و "حقوق ما ریالی، هزینه‌های دلاری"، "آهای رئیس دولت دروغ‌گفتی به ملت"، "کشور پردرآمد چه برسر تو آمد؟"، "اصلاح طلب، اصولگرا دشمن بازنشسته‌ها"، "دشمن ما همینجاست، دروغ‌میگن آمریکاست"

اعتراض علیه فقر و بی‌تامین و مشکلات معیشتی هر روز گسترده‌تر شده و بخش‌های مختلف جامعه را در بر میگیرد. صبح امروز همچنین جمعی از نیروهای بومی مجتمع صنعتی و معدنی تیتانیوم کهنوج در اعتراض به حقوق و مزایای پایین دست به تجمع و اعصاب زدند.

در روز گذشته نیز پرسنل اورژانس تهران تجمع داشتند. اعتراض آنان به تبعیض‌ها، تأخیر در پرداختی‌های مزدی، عدم پرداخت کارانه، جابجائیهای اجباری و اجرایی نشدن تعرفه‌های خدمات است. معترضین شعار میدادند: "سختی کار اورژانس حق مسلم ماست"، و "مسئول بی‌لیاقت استعفا، استعفا".

آخرین خبر مربوط به پیوستن مسعود فرهیخته معلم زندانی در زندان مرکزی کرج به سه‌شنبه‌های نه‌به‌اعدام است. او با ارسال نامه‌ای به ریاست زندان از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در سه‌شنبه‌های نه‌به‌اعدام حمایت کرده و خواستار قطع سهمیه غذای فردای خود در نود و ششمین هفته این کارزار شده است. مسعود فرهیخته معلم معترض، مخالف اعدام و مدافع حقوق کودک و حق تحصیل رایگان برای همه، در زندان نیز صدای آزادیخواهی و برابری طلبی است. مسعود فرهیخته باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. کارزار سه‌شنبه‌های نه‌به‌اعدام کارزاری است علیه بساط سرکوب و اعدام حکومت اسلامی که ابعادش اجتماعی و جهانی شده است. وسیعاً از این کارزار حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲ آذر ۱۴۰۴ - ۲۳ نوامبر ۲۰۲۵

امروز دوم آذر ماه بازنشستگان تامین اجتماعی همچون هفته‌های گذشته در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های خود و علیه بساط چپاول و دزدی حاکم و سرکوبگری‌های حکومت در چندین شهر شوش، اهواز، رشت، قزوین و تهران تجمع کردند و شعارهای اعتراضی خود را سردادند.

در شوش بازنشستگان از شهرهای هفت تپه و کرخه و شوش جمع شده بودند و یکی از بازنشستگان از مشکلات زندگی خود و وضع بد درمان سخن گفت و جمعیت شعار میداد: "درمان رایگان حق مسلم ماست". این بازنشستگان با شعارهای "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم" بر تداوم اعتراضات خود تأکید کردند.

در اهواز نیز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و با شعار "ما بازنشستگانیم باید با هم بمانیم" بر اتحاد مبارزاتی و تداوم اعتراضاتشان تأکید کردند. در این حرکت اعتراضی بنه‌هایی با نوشته "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. دیگر شعارهای این بازنشستگان عبارت بودند از: "دشمن ما همین جاست، دروغ‌میگن آمریکاست"، "هزینه‌ها دلاری، حقوق ما ریالی"، "کارگر زندانی، معترض زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "نه تهدید، نه زندان، نه اعدام، نیست جلودار ما"، و "جنگ افروزی کافی، سفره ما خالیه".

بازنشستگان تامین بازنشستگان در رشت هم تجمع داشتند و در بخشی از بیانیه برگزاری تجمع از سوی این بازنشستگان چنین آمده است: "طنین کارگر، معلم، کشوری، لشکری اتحاد اتحاد" در حالی به آسمان رسید که درختان چند هزارساله هیرکانی جلو چشم بی‌تفاوت و بی‌عمل حاکمان زمین خوار سرمایه‌داری، می‌سوزد و به فنا می‌رود.. "کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد" در شرایطی اعلام شد که بی‌تاشیعی را به جرم حق خواهی به اسارت گرفتند؛ جواد لعل محمدی، هم‌بند معلم راست قامت هاشم خواستار، را روی تخت بیمارستان به زنجیرکشیدند و برای کارگر زهرا شهباز طبری، منوچهر فلاح، پیمان فخر آور احکام قرون وسطایی اعدام و برای عروس گیلان - دختر آذربایجان شریفه محمدی ۳۰ ساله حبس صادر کردند. "این بیانیه با شعار "فقط کف خیابون بدست میاد حتمون" پایان می‌یابد.

در تهران بازنشستگان تامین اجتماعی و فرهنگیان بازنشسته با وجود آلودگی شدید هوا در برابر سازمان تامین اجتماعی تجمع برگزار کردند و با فریاد شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. بنا بر گزارشات شاخص آلودگی هوای شهر تهران با شاخص ۱۴۲ در آستانه وضعیت قرمز و خطرناک برای همه افراد جامعه قرار دارد. بر همین اساس امروز بدلیل سیاهی آسمان شهر و آلودگی شدید هوا مدارس

ترکمن عالم (جهت یاهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵ - عمودی ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتل‌ست، فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰

یوتل‌ست
فرکانس ۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

KANAL
کانال جدید



فراخوان سراسری کارگران ارکان ثالث به تجمع تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در لاوان

کارگران شرکتی و ارکان ثالث نفت و گاز در ادامه تجمعات گسترده خود در اعتراض به بلا تکلیف ماندن طرح حذف پیمانکاران برای روز نوزدهم آذر ماه فراخوان به تجمعی سراسری در مقابل مجلس اسلامی را داده اند. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است:

"کارکنان شرکتی و پیمانکاری به پا خیزید!

پس از رأی ۹۰ درصدی مجلس و وعده ساماندهی، طرح عادلانه حذف پیمانکاران در پیچ و خم نهادهای تصمیم گیر، بلا تکلیف مانده است. ما راهکارهای موقت مانند واریز مستقیم حقوق را که تنها ادامه ظلم پیمانکاری است، نمی پذیریم! تنها راه حل، اجرای طرح اولیه مجلس برای حذف کامل واسطه ها و امنیت شغلی پایدار است."

در بخش پایانی این بیانیه بر اجرای بی کم و کاست طرح ساماندهی و حذف پیمانکاران تاکید شده است.

دور جدید اعتراضات کارگران ارکان ثالث با خواست حذف پیمانکاران که کل ساختار های اقتصادی - سیاسی حاکم را به چالش میکشد یک اتفاق سیاسی مهم است و فضای پر التهاب اعتراضی در این صنعت کلیدی کارگری را نشان میدهد. حزب بر حضور فعال خانواده در این فراخوان اعتراضی و حمایت بخش های

مختلف کارگری از اعتراضات کارگران در نفت تاکید میکند.

از سوی دیگر در ادامه اعتراضات کارگران رسمی نفت فلات قاره منطقه لاوان تجمع دوشنبه سوم آذر ماه کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره منطقه لاوان تجمع کردند. این کارگران به نشانه اعتراض به عدم ایفای حقوق قانونی خود و جهت هماهنگی با همکاران خود در منطقه عملیاتی خارک تجمع اعتراضی خود را از ساعت شش صبح تا ده و نیم صبح برگزار کردند. خواسته های فوری کارگران رسمی نفت عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، عودت مالیات های مازاد اخذ شده طبق قوانین، عدم چپاول صندوق بازنشستگی و عدم ادغام آن در صندوق های ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ آذر ۱۴۰۴ - ۲۴ نوامبر ۲۰۲۵

ادامه اعتصاب کارگران پتروشیمی رجال، کارگران مس جانجا و خبری دیگر

کارگران، کارکنان و بازنشستگان در حدود ۳۷ شهر و منطقه کشور را در بر گرفته است. در میان مراکز اعتراض، پارس جنوبی با برگزاری بیش از ۲۰ مورد بیشترین فراوانی اعتراضات را ثبت کرده و پس از آن اصفهان، مشهد، اهواز، تهران و کرمانشاه قرار دارند. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مبارزاتی سراسری برای شکل دادن به اعتصابات سراسری تاکید دارد.

آلودگی هوا و وضعیت قرمز بسیاری از شهرها

بنا بر خبرهای منتشر شده پاییز امسال نه تنها تا به امروز در بخش قابل توجهی از استان های کشور بارانی به همراه نداشته، بلکه آلودگی هوا از یک سو و شیوع ویروس آنفلوآنزا از سوی دیگر، زیست مردم را با مشکلات جدی مواجه کرده است. در نتیجه این وضعیت ۳۶ شهر از هفت استان کشور، در روزهای شنبه و یکشنبه (یکم و دوم آذرماه) تعطیل اعلام شدند. و امروز دوشنبه سوم آذرماه با وجود تعطیلی شهرها گزارشات نهاد

کنترل کیفیت هوا نشان می دهد که وضعیت هوای بسیاری از شهرهای کشور در شرایط قرمز و ناسالم برای تمامی گروه های جامعه قرار دارد. سیاست های تخریبی و جنایتکارانه حکومت است شهرها را به تعطیلی کشانده و جان مردم را به خطر انداخته است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ آذر ۱۴۰۴ - ۲۴ نوامبر ۲۰۲۵

اعتصاب غذای کارگران پتروشیمی سراج گستر رجال

بیش از ده روز از اعتصاب غذای کارگران پتروشیمی «سراج گستران رجال» در بندر امام خمینی می گذرد. اعتراض آنان به کاهش سیستماتیک حقوق، تهدید دائمی نیروها، و فشارهای سنگین مدیریتی است. کارگران هشدار داده اند که اگر پاسخ نگیرند بر اعتراضات خود شدت خواهند داد. این شرکت تولید کننده پلی پروپیلن و متعلق به برادران رجالی است و به مدیریت حمیدرضا رجالی اداره میشود.

اعتصاب کارگران معدن مس جانجا در نیمروز

روز دوم آذرماه پنجاه کارگر معدن مس جانجا در شهرستان نیمروز بار دیگر در اعتراض به چندین ماه عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. به گفته کارگران حقوق برخی از آنان تا ۴ ماه و برخی دیگر تا ۶ ماه پرداخت نشده است. معدن مس جانجا یکی از معادن بزرگ استخراج مس و طلا است و در ۲۱۰ کیلومتری شمال زاهدان نزدیکی روستای ماده کاریز قرار دارد.

اعتراضات بر سر معیشت گسترده است بنا بر گزارشی منتشر شده در کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران در آبان ماه بیش از ۱۲۰ مورد اعتراض کارگری شامل تجمع و اعتصاب صنفی در رسانه های رسمی و شبکه های اجتماعی خبررسانی شده که از نظر تعداد، تنوع گروه های معترض و گستردگی جغرافیایی، یکی از وسیع ترین دوره های اعتراضی ماههای اخیر به شمار می رود. این اعتراضات تنها محدود به یک بخش خاص یا چند شهر صنعتی نیست، بلکه طیفی وسیع از

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

مبارزه با خشونت علیه زنان، در هم فرو ریختن آپارتاید جنسیتی است!



هم کوبیدن همه موانع زندگی برابر را نمایان می‌سازد. برگزاری جشنواره‌ها و ایونت‌ها به فرصت‌هایی بدل می‌شود که زنان و مردان دوشادوش هم شکوه بی‌نظیری از زندگی شاد و مدرن و برابر را به نمایش بگذارند.

جشن‌های بین‌المللی همچون هالووین و ولنتاین گسترده‌تر از هر جای دنیا برپا می‌شود و چشم جهانیان را به حیرت وامیدارد و در آخرین رویداد، برگزاری ایونت #هفته‌دیزاین_تهران با نمایش خیره‌کننده‌ای از مدرنیسم، رهایی و نشاط نشان داد بیش از چهل و پنج سال سلطه‌تجبر و خشونت افسارگسیخته آپارتاید حاکم نتوانسته از رشد جوانه‌های زیبای زندگی مدرن جلوگیری کند و امید به داشتن دنیای آزاد، رها و برابر را صدچندان کرد.

"ندای زنان ایران" ضمن گرامی‌داشت ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

به زنان شجاع زندانی سیاسی که همواره از پس دیوارهای زندان نیز فریاد #زن_زندگی_آزادی سر داده‌اند، درود می‌فرستد و خواهان آزادی زنان زندانی و همه زندانیان سیاسی در بند هستیم.

مردم آزادی خواه را به اتحاد هر چه وسیع‌تر برای شکستن دیوارهای آپارتاید جنسیتی فراموش نکنیم.

همه با هم روزهای نارنجی را به انعکاس فریاد رسای "زن زندگی آزادی" بدل کنیم و متحد و یکصدا برای لغو حکم شنیع و ضد انسانی اعدام و نابودی مناسبات پوسیده آپارتاید جنسی و جنسیتی متحد و یکصدا شویم. ندای زنان ایران - آذر ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان،

تسلور فریاد و جنگ مستمر زنان بر علیه نابرابری و تبعیض و خشونت را به یاد مهسا و همه جانباختگان راه آزادی گرامی می‌داریم.

زنان و مردم در ایران برای محو و نابودی خشونت افسارگسیخته حاکم، جانانه علیه بساط آپارتاید جنسیتی که نماد جنایت علیه بشریت است، در نبرد هستند. جنگی که زیست‌روزانه میلیون‌ها انسان را احاطه کرده و با قتل و تجاوز و کشتار قانونی همراه می‌باشد.

ایران تحت حاکمیت آپارتاید جنسیتی، نه تنها در صدر آمار اعدام قرار دارد بلکه بیشترین آمار اعدام زنان را دارد.

به حکم حکومتی بر بدن زنان شلاق می‌زنند و مجوز قتل زنان توسط پدر، برادر و همسر در قوانین صادر شده است و در هر سه روز یک زن تحت عنوان خونین "ناموس" کشته می‌شود.

آمار ازدواج کودکان، حکم قانونی تجاوز به کودکان با طرح جوانی جمعیت، هزاران زن بناچار در معرض سقط جنین خطرناک قرار گرفته‌اند.

بالاترین آمار زندانیان زن به نسبت جمعیت و البته بیشترین زندانی سیاسی زن در ایران می‌باشند.

در برابر رویکرد به غایت فاحش جنایت علیه بشریت، ایستادگی زنان در فتح خاکریز حجاب و پیشروی آنان برای در هم فرو ریختن دیوارهای آپارتاید، جلوه‌های بی‌بدیلی از شکوه و عظمت را نمایان می‌سازد.

در برابر سبیت و خشونت حاکم، زنان و جوانان با پرپایی جشن و شادی و رقص‌های گروهی و برنامه‌های مختلط و موزیک خیابانی لرزه به اندام آپارتاید حاکم می‌اندازند.

موتور سواری زنان چهره خیابانها را رنگین و زیباتر ساخته و عزم آهنین زنان برای در

رکوردشکنی اعتراضات صنفی و کارگری در میانه

پاییز

در آبان ماه بیش از ۱۲۰ مورد اعتراض کارگری شامل تجمع و اعتصاب صنفی در رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی خبررسانی شده که از نظر تعداد، تنوع گروه‌های معترض و گستردگی جغرافیایی، یکی از وسیع‌ترین دوره‌های اعتراضی ماه‌های اخیر به شمار می‌رود. مرور داده‌های ثبت‌شده نشان می‌دهد که اعتراضات تنها محدود به یک بخش خاص یا چند شهر صنعتی نیست، بلکه طیفی وسیع از کارگران، کارکنان و بازنشستگان در حدود ۳۷ شهر و منطقه کشور دست‌کم یک‌بار تجمع یا حرکت اعتراضی داشته‌اند؛ از شوش، اهواز، رشت و اصفهان گرفته تا پارس جنوبی، خارک، لاوان و سیری.

به گزارش تارنمای داوطلب؛ در میان مراکز اعتراض، پارس جنوبی با برگزاری بیش از ۲۰ مورد بیشترین فراوانی اعتراضات را ثبت کرده و پس از آن اصفهان، مشهد، اهواز، تهران و کرمانشاه قرار دارند. این ارقام نشان می‌دهد که کانون اصلی اعتراضات در یک ماه اخیر نه فقط کلان‌شهرها، بلکه مناطق صنعتی و انرژی‌محور جنوب کشور بوده‌اند؛ جایی که فشار کاری شدید، محیط‌های سخت، عقب‌ماندگی مزدی و سلطه پیمانکاران شرایط ناپایداری را ایجاد کرده است.

در میانه موج گسترده اعتراضات صنفی که طی یک ماه گذشته شهرهای مختلف کشور را درگیر کرده، استمرار حضور بازنشستگان در خیابان‌ها نیز به بخش



جدایی‌ناپذیر اعتراضات کارگری تبدیل شده است. بازنشستگان صندوق‌های مختلف - از تأمین اجتماعی گرفته تا فولاد، کشوری، نفت و مخابرات - تقریباً در تمامی هفته‌های این ماه در چندین شهر دست به تجمع زدند.

هم‌زمان، موج تازه‌ای از مطالبه‌گری پرستاران در برخی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی کشور به راه افتاد که خبرساز شد. داده‌های جمع‌آوری شده از اعتراضات پرستاران در شهرهای مشهد، کرمانشاه، یاسوج، اهواز و دیگر شهرها تصویری روشن از ریشه‌های بحران در بخش درمان ارائه می‌دهد؛ بحرانی که نه مقطعی، بلکه ساختاری و فرسایشی است.

برگرفته از کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران

**STOP
VIOLENCE
AGAINST
WOMEN**



در نتیجه خشونت جنسیتی محصول مناسباتی است که از طریق قدرت و نهادهای سرکوبگرش اعمال میگردد.

ما در شرایط خشونت‌بار کنونی و بیش از همیشه علیه همه مظاهر این بربریت از جمله نابرابری و تبعیض جنسی، زنکشی، ستم بر کودکان، تخریب محیط زیست، جنگ و ویرانی، پدیده مهاجرت، تهدید بهداشت و سلامت عمومی مبارزه می‌کنیم.

مبارزه علیه خشونت بر زن و ایجاد محیط سالم و بیدغدغه و رها برای زنان، برکل مناسبات موجود اثر گذاشته و پیشروی آن، شرایط انسانی تری را برای همه لایه های جامعه به ارمغان می‌آورد.

جنبش عظیم #زن_زندگی_آزادی بر چنین بستر مبارزات رهایی بخشی جان گرفت و همچنان بر فراز آن میدرخشد.

این مبارزات و دستاوردهایش بیش باد

شورای بازنشستگان ایران - ۲۵ نوامبر ۲۰۲۵ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

بیانیه بمناسبت روز جهانی علیه خشونت بر زن

"بحث انقلاب در انسان، بی هیچ تناقضی، با زنان آغاز می‌شود".

از دل یک تاریخ طولانی از ستم و نابرابری بر زن و تبعات سنگین و خردکننده اش بر جسم و جان نیمی از جامعه بشری و بعد از سالیان دراز تلاش و مبارزه برای کسب برابری انسانی با تمام دستاوردهای بی بازگشتش، ۲۵ نوامبر بعنوان "روز علیه خشونت بر زن" نامگذاری شده است تا شاید این روز بتواند یکجا و فشرده تاریخ را در قاب "لحظه ای کوتاه" جلوی چشم کل بشریت برای دگرگونی این وضعیت قراردهد.

علیه خشونت بودن در تمامی مظاهرش نه تنها زن را به موقعیت برابری نزدیک میکند بلکه اساساً سطح تکامل انسان و اجتماع از میزان برابری زن با مرد سنجیده میشود. رهایی زن، رهایی مرد و رهایی انسان بطور کلی از هر نابرابری و خلق بستر واقعی برای به میدان آمدن همه ظرفیت های انسان متمدن است.

این برابری میتواند حتی رابطه انسان با طبیعت را هم باز تعریف کند.

از آنجا که انسان محصول اجتماع و نتیجه مناسبات و اقتصاد سیاسی همان دوران است، خشونت بر زن گرچه تاریخی هزاران ساله دارد اما امروز مفهومی گره خورده با مناسبات کنونی و از جنس منفعت برای سود و بازار سرمایه و مذهب دارد.

در طبیعت و در میان حیوانات تکامل یافته خشونت جنسیتی وجود ندارد، اما در مناسبات اجتماعی مبتنی بر انواع تبعیضات طبقاتی/جنسیتی، خشونت علیه زنان به شدیدترین وجه اش نمایان است، از بردگی در کارخانگی تا سربریدن و سوزاندن زیر پرچم "ناموس و آبرو"!

بیانیه ای اتحاد بازنشستگان به مناسبت ۲۵ نوامبر (۴ آذر)، روز جهانی منع خشونت علیه زنان

آزار جنسی، ضرب و شتم، اسیدپاشی، تهدید و توهین نیز اگرچه جرم‌اند، اما رسیدگی به آن‌ها در ساختاری که خود خشونت را بازتولید می‌کند، اغلب به نتیجه‌ای نمی‌رسد. لایه‌ی سوم خشونت به خلأهای قانونی دیگری تعلق دارد: خشونت اقتصادی که زنان را از منابع مالی و استقلال شغلی محروم می‌کند، خشونت روانی و عاطفی که انزوای، تحقیر، ترس و کنترل را به امری «عادی» (بدل می‌کند).

قاچاق زنان و تن‌فروشی اجباری که اگرچه جرم هستند، اما بُعد جنسیتی و آسیب‌پذیری ساختاری زنان در آن‌ها نادیده گرفته می‌شود.

در عرصه‌ی کار نیز استعمار جنسیتی، شکل سازمان‌یافته‌تری می‌گیرد: تبعیض در دستمزدها، فقدان امنیت شغلی، نبود حمایت‌های قانونی، و فشار مضاعف کار خانگی بدون مزد و بیمه. زنان کارگر در شدیدترین اشکال استعمار قرار دارند و زنان خانه‌دار، با وجود سهم عظیم در بازتولید زندگی اجتماعی، از ابتدایی‌ترین حقوق کار، بازنشستگی و امنیت اقتصادی محروم‌اند.

خشونت علیه زنان در ایران در دو محور به‌صورت هم‌زمان عمل می‌کند:

از یک‌سو تبعیض و خشونت حقوقی و اجتماعی که بدن، تصمیم‌گیری و آزادی زن را محدود می‌کند، و از سوی دیگر استعمار اقتصادی که زن را به نیروی کاری ارزان، بی‌دفاع و بی‌صدا تبدیل می‌سازد. این دو محور یکدیگر را تقویت می‌کنند و نظامی مردسالار/سرمایه‌سالار را بازتولید می‌کنند که تنها با دگرگونی ریشه‌ای در مناسبات اقتصادی، فرهنگی و قانونی می‌توان آن را برچید.

روز جهانی منع خشونت علیه زنان، در چنین چشم‌اندازی یادآور ضرورت شکستن چنین ساختاری است؛ ساختاری که تا دگرگون نشود، خشونت علیه زنان منطق مسلط زندگی روزمره باقی خواهد ماند. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

این روز یادآور مسیری است که با خون سه خواهر مبارز - خواهران میرابل - در جمهوری دومینیکن آغاز شد؛ زنانی که در سال ۱۹۶۰ به دلیل مقاومت سیاسی علیه دیکتاتوری تروخیو به قتل رسیدند و بعدها به نمادی جهانی برای ایستادگی در برابر خشونت جنسیتی بدل شدند. اما همین یادمان تاریخی، وقتی در متن ایران امروز قرار می‌گیرد، رنگی به مراتب تیره‌تر می‌یابد؛ چرا که خشونت علیه زنان نه تنها در رفتارهای فردی، که در تار و پود قوانین مردسالار، سنت و ساختارهای اقتصادی تنیده شده است.

در ایران، تمایلی به رفع «خشونت علیه زنان» وجود ندارد، و همین خلأ، طیفی از خشونت‌های قانونی و غیرقانونی را به یک منظومه منسجم تبدیل کرده است. در سطح قانونی، مجموعه‌ای از احکام و سنت‌ها عملاً بدن و زندگی زنان را «قابل تصرف» می‌کنند: کودک‌همسری که با اجازه‌ی ولی و حکم دادگاه مشروعیت می‌یابد، عدم حق برابر در طلاق که زن را در موقعیتی فرساینده گرفتار می‌کند، اجبار به تمکین که رابطه انسانی را به اطاعت جنسی تقلیل می‌دهد، خشونت جنسی زناشویی که حتی نام و جرم‌انگاری رسمی ندارد، محدودیت حضور زنان در اماکن و ورزشگاه‌ها، تبعیض در دیه و ارث که زن را در منطق قانون نیم‌حق‌دار تعریف می‌کند، و حجاب اجباری که نه فقط پوشش، بلکه اراده و مالکیت زن بر بدن خود را سرکوب می‌کند. در کنار این‌ها، اشکالی از خشونت که ظاهراً «غیرقانونی» هستند نیز به دلیل ساختارهای مردسالارانه از پشتوانه‌ی فرهنگی و حتی حقوقی بهره می‌برند.

زن‌کشی و قتل‌های موسوم به ناموسی جرم محسوب می‌شوند، اما تخفیف‌های قانونی برای همسر، پدر و برادر قاتل عملاً خشونت را تایید می‌کنند... تجاوز به عنف بالاترین مجازات را دارد، اما نظام اثبات آن، چنان دشوار طراحی شده که قربانی اغلب میان شرمساری، بی‌اعتمادی قضایی و بار سنگین اثبات گرفتار می‌ماند.

مضحکه ای بنام افزایش حقوق!!!

عصر ایران: بالاخره رقم افزایش حقوق ۱۴۰۵ اعلام شد (+ جزئیات) دولت با ابلاغ بخشنامه لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، ضریب افزایش حقوق کارمندان را رسماً مشخص کرد. بر اساس این بخشنامه، حقوق کارمندان در سال آینده نسبت به آخرین حکم سال ۱۴۰۴ حدود ۲۰ درصد افزایش می‌یابد و سقف مزایا، پاداش و عیدی نیز طبق اعتبارات سال گذشته تعیین شده است.

شورای بازنشستگان ایران: مضحکه ای بنام افزایش حقوق!!!

واژه "افزایش حقوق" برای ما کارگران و کارمندان و بازنشستگان معنایی وارونه یافته است. وقتی این واژه را از نهادهای رسمی می‌شنویم فقط به تثبیت فقر بیشتر و افزایش تورم و حشمتاک تر فکر می‌کنیم.

این واژه، فقط تکرار سناریوی "فریبکاری و سرکوب معیشت" را یادآوری می‌کند چرا که ده‌ها سال است که بجز این ندیده ایم.

وقتی ما بازنشستگان با افزایش صد درصدی حقوقها هم نمیتوانیم به گرد پای گرانی و تورم برسیم چگونه جرئت کرده و از ۲۰ درصد و ۳۰ درصد حرف

می‌زنند؟؟؟

وقتی بازار رها شده و قیمت‌ها دیگر حساب و کتاب ندارد دولت بیخود میکند از ۲۰٪ افزایش حرف بزند.

از بیخ و بن باید فکر دیگری کرد.

افزایش حقوق طبق هزینه سبدمعیشت آنها بصورت شناور و شانه به شانه تورم در طول سال.

مدیران سازمان و کانون‌های ضد کارگری و ضد بازنشستگان هم هشدار ما را جدی بگیرند که دیگر سفسطه بازی و حقه هایشان رنگی ندارد و پاسخ شان را در خیابان خواهیم داد.

#نهادهای بیخاصیت_نمیخوایم #خط_فقر ۱۰۰میلیون
برگرفته از مدیای اجتماعی

بیانیه‌ی شورای هماهنگی پیرامون حوادث آبان ۱۴۰۱ در ایده

نام ایده چون شعله‌ای فروزان در تاریخ ایران می‌درخشد

از دیگر جان‌باختگان آن سال‌های پراشتهاب بود.

در تابستان نود و نه، هادی بهمنی کشته شد و نام او نیز به این سلسله‌ی آزردگی‌ها افزوده شد.

و در میان این نام‌ها نگار کورکور، خواهر دادخواه مجاهد، از فشارهای سنگینی که بر او وارد شد ناچار به ترک وطن شد و زیر بار رنج و اضطرابی که بر او تحمیل شده بود در غربت جان سپرد. نام او نیز بر تارک این تاریخ تلخ می‌درخشد به نشانی از دردهایی که حتی از مرزها نیز عبور می‌کنند.

این متن برای خشونت نیست، این متن برای حقیقت است، برای عدالت است، برای حق ابتدایی انسان برای آزادی، عزت، زندگی آرام و آینده‌ی امن است. ایده، آبان نود و هشت، ماهشهر، تابستان نود و نه و اعتراضات سال هشتاد و دو و همه‌ی نام‌هایی که از دست دادیم داستان مردمی است که بارها زخم خوردند اما ایستادند چون باور دارند اگر حقیقت گفته شود، اگر نام‌ها پنهان نشوند، اگر وجدان بیدار مردم خاموش نشود، هیچ قدرتی نمی‌تواند آینده‌ی این سرزمین را از آنان بگیرد.

کیان پیرفلک، پویا مولایی، مهدی الماسی، ارتین رحمانی، هادی بهمنی، عباس محمدی، حامد سلحشور، دنیا فرهادی، پیام کرمی، وفا مولایی، مسعود کیانی، محمود احمدی، نگار مجاهد و ابول کورکور، همه‌ی آنان نه فقط نام‌های ثبت شده در تاریخ که چراغ راه فردای این سرزمین‌اند؛ چراغ‌هایی که با هیچ گلوله‌ای خاموش نمی‌شوند؛ راهی که از شرف و عزت و انسانیت می‌گذرد، راهی که ملتی تصمیم گرفته اجازه ندهد هیچ کودکی، هیچ جوانی و هیچ انسانی دیگر در سایه‌ی تاریکی از دست برود.

نام همه‌ی آنان یادآور این است که رنجشان بیهوده نیست و وجدان بیدار ما مسئول است صدایشان را زنده نگه دارد تا روزی که حقیقت و عدالت بر این سرزمین حاکم شود و هیچ کودکی دیگر قربانی تاریکی نشود.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

برگرفته از مدیای اجتماعی

در سرزمینی که هر سنگ و هر کوچه هنوز بوی رنج و اندوه می‌دهد نام ایده چون شعله‌ای فروزان در تاریخ ایران می‌درخشد. شبی که قلب این سرزمین شکست شب بیست‌وپنجم آبان هزار و چهارصد و یک، شبی که روشنایی آینده در گلوی تاریکی گرفتار شد و نام کیان پیرفلک کودک نه ساله‌ی ایران چون چراغی مقدس بر بلندای درد ایستاد. کیان تنها یک کودک نبود او آینده‌ی فردایی بود که این سرزمین حقش را داشت؛ فردایی آکنده از آزادی، شرف، رفاه و زندگی معمولی. او نخبه‌ای کوچک بود که هنوز جهان را به نور نگاهش می‌سنجید. اما ایده آن شب خون گریست و هفت جان عزیز از مردم جدا شدند: آرتین رحمانی، سپهر مقصدی، علی مولایی، میلاد سعیدیان‌جو، رضا شریعتی و اشرف نیکبخت؛ نام‌هایی که هرکدام جهانی از آرزو بودند و در یک شب خاموش شدند. و ایده از آن لحظه دیگر فقط یک شهر نبود بلکه ندایی شد که وجدان بیدار یک ملت را لرزاند.

اما ریشه‌ی این تاریکی تنها به آن شب ختم نشد. پیش از آن در آبان نود و هشت، در قیام بنزین، هزار و پانصد انسان در یک روز جان باختند، در حالی که خواهان حق ابتدایی زندگی شایسته بودند. در ماهشهر نزدیک به صد نفر در نزارها کشته شدند و تنها یک انسان زنده ماند: عباس دریس که امروز با حکم اعدام در زندان است و بودن او سندی است بر حقیقتی که خاک این سرزمین فراموش نکرده است.

این چرخه‌ی تلخ ادامه یافت. پس از شب بیست‌وپنجم آبان، حسین سعیدی، محمود احمدی، حامد سلحشور، دنیا فرهادی، مهدی الماسی، کمر طهماسبی، ابول کورکور، سهراب احمدی، سید مصطفی احمدپور، سعید بویری، ارمن گلزاری، امیرحسین قربانی و صائب سرقلی جان خود را از دست دادند.

در دومین سالگرد تولد آسمانی کیان، پویا مولایی کشته شد و در سومین سالگرد تولد آسمانی کیان، مجاهد کورکور اعدام شد و غمی تازه بر زخم مردم نشست.

پیش از انقلاب ژینا نیز این خاک بارها داغدار شده بود. در اعتراضات انتخابات مجلس دوم اسفندماه سال هشتاد و دو، عباس محمدی نوزده ساله، پیام کرمی دانش‌آموزی که از راه مدرسه به خانه می‌آمد و وفا مولایی جان باختند و مسعود کیانی

تجمع و راهپیمایی پرستاران قائم مشهد، اعضای تعاونی تاقدیس



آپارتمان در این پروژه ثبت نام کرده و مبالغ سنگینی پرداخته اند، اما پنج سال است هنوز حتی یک واحد ساخته نشده و سپرده های مردم در پروژه های دیگر خرج شده است. مسئولین امر با وعده و وعید آنها را سردوانده و جوابگو نیستند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ آبان ۱۴۰۴ - ۱۰ نوامبر ۲۰۲۵

امروز نوزدهم آبانماه جمعیت قابل توجهی از پرستاران و کادر درمانی بیمارستان قائم مشهد در اعتراض به خلف وعده ها و مشکلات معیشتی و حقوقهای عقب افتاده خود و فشار سنگین کار دست و به تجمع و راهپیمایی زدند. در این حرکت اعتراضی پرستاران شعار میدادند: "پرستار داد بزن حقتو فریاد بزن"، "پرستار می میرد، ذلت نمی پذیرد"، و "مسئول بی کفایت، استعفاء، استعفاء".
سطح نازل حقوقها و تعرفه های پایین، تأخیر در پرداخت مطالبات و فشار سنگین کاری و فرسودگی روزافزون کادر درمان از جمله موضوعات اعتراضات پرستاران در سطح سراسری است.

تجمع اعتراضی اعضای تعاونی مسکن تاقدیس سیرجان

روز گذشته هجدهم آبانماه اعضای تعاونی مسکن «تاقدیس» (سیرجان در اعتراض به بلاتکلیفی چندساله و عدم تحویل واحدهای مسکونی خود مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. به گفته معترضین آنها از سال ۱۳۹۸ برای خرید



آتشی که در جنگلها زبانه می کشد با چرخاندن تسبیح خاموش نمی شود با دانش فنی مهار می شود

کوکب بداعی پگاه، معلم در ایزه نبرد علم و بی خردی در آتش سوزی جنگلهای هیرکانی

علم را از زمین بازی اخراج کنید شکست تنها نتیجه ممکن است وقتی خرد را کنار بگذارید بحران میهمان ناخوانده شما خواهد بود در ورزش وقتی بازیکنی زمین

می خورد به او کمک می کنیم بلند شود و قوی تر ادامه دهد اما شما وقتی زمین می خورید می نشینید و منظر معجزه می مانید در ورزش داور خطاکار را جریمه می کند اما در طبیعت این مدیران خطاکار هستند که ملت را جریمه می کنند طبیعت واعظی بی رحمانه است که خطبه هایش را نه بر منبر که بر پوسته زمین با زبان آتش و خشکسالی می خواند او به زبان اعداد و قوانین تغییرناپذیر سخن می گوید زبانی که نیت نمی فهمد فقط عملکرد درست را می بیند مدیریت بحران ما باستانی و ناکارآمد است به جای ماهواره های پایش آتش از فال و استخاره استفاده می کنیم به جای سیستم های هشدار زود هنگام به قضا و قدر توکل می کنیم جنگل هیرکانی فقط متعلق به ما نیست آن را از نسل های آینده به امانت گرفته ایم وقتی ما در کلاس درس مسئولیت پذیری تدریس می کنیم شما در عمل بی مسئولیتی آموزش می دهید این خاک هرگز فراموش نخواهد کرد چگونه دانش به حاشیه رانده شد و خرد قربانی توهم گردید آینده قاضی بی رحم این دادگاه خواهد بود و حکم نهایی را بر اساس خاکستر جنگلها و اشک مردم صادر می کند امروز من دیگر جایگاه یک معلم ورزش ندارم بلکه جایگاه یک شهروند خشمگین را دارم که شاهد تباهی سرزمینش به دست ناکارآمدی شماسست طبیعت به ما فرصت داد از عصر یخبندان تا عصر فضا پیش برویم اما ما در همان گذشته متوقف شده ایم این آتش تنها درختان را نمی سوزاند پرده های ریاکاری را می سوزاند و حقیقت برهنه و سیاه سیستم و رشکسته را عریان می کند ما در ورزش قهرمان می سازیم شما در مدیریت بحران فرق ما و شما این است ما به ورزشکاران می آموزیم چگونه پیروز شوند شما به ملت می آموزید چگونه زنده بمانند.

#هیرکانی #جنگل (برگرفته از مدیای اجتماعی)

من به عنوان معلمی که شاهد خاکستر شدن میراث کهن این سرزمین هستم فریاد می زنم جنگل های هیرکانی این موزه های زنده ۴۰ میلیون ساله زمین شناسی در آتش بی تدبیری می سوزند

در زمین ورزش وقتی بازیکنی خطا می کند داور با عمل او کار دارد نه با نیتش طبیعت هم همین گونه است این آتش که ریه های جنگل مان را می سوزاند نیت نمی فهمد فقط عملکرد شما را می سنجد

علم می گوید آتش به اکسیژن نیاز دارد جنگل به مدیریت علمی نیاز دارد بحران به تخصص نیاز دارد اما برخی تصور می کنند آتش با دعا خاموش می شود جنگل به معجزه نیاز دارد و بحران با صبر حل می شود به دانش آموزان می آموزیم علم چراغ راه زندگی است اما امروز شاهدیم تاریکی جهل قدیمی ترین جنگل های زمین را می بلعد دیگر صحبت از درختان معمولی نیست صحبت نابودی گنجینه ای است که از عصر یخبندان جان سالم به در برده اما از دست نادانی ها در امان نمانده است

آتشی که در جنگلها زبانه می کشد با چرخاندن تسبیح خاموش نمی شود با دانش فنی مهار می شود اینجا زمین بازی است نه معبد برای حل مشکلات به مهندس و آتش نشان نیاز داریم علم هشدار می دهد جنگل هیرکانی یک سیستم پیچیده اکولوژیک است هر هکتار آن سالانه دو تا پنج تن اکسیژن تولید می کند و سه تا هشت تن دی اکسید کربن جذب می کند خاک آن قرن ها زمان لازم دارد تا تشکیل شود و هر درخت که نسال یک بانک ژنتیک منحصربه فرد است اما مدیران با این موجود زنده ۴۰ میلیون ساله همچون یک مسئله ساده رفتار می کنند گویی با شعار می توان اکوسیستمی را که از عصر دایناسورها جان سالم به در برده از مرگ نجات داد بی کفایتی را باید در سکوت جنگل های سوخته جستجو کرد آنجا که شعله های علم ستیز ریه های زمین را می سوزانند در قرن بیست و یکم توکل جایگزین تکنولوژی و توسل جایگزین تخصص شده است

ما در میانه نبردی نابرابر ایستاده ایم از یک سو خرد می گوید آتش با آب خاموش می شود و از سوی دگر وهم ادعا می کند آتش با دعا مهار می شود در این میانه جنگل های هیرکانی قربانی می شوند پاسخ طبیعت به مدیریت احساسی یک اخطار فنی است وقتی

غنی سازی زندگی حق مسلم ماست!